

تکدیگری به شیوه مدین

کنار جایگاه پمپ بنزین ایستاده اید و مشغول بنزین زدن هستید که ناگهان موتور سواری که تا همین چند دقیقه‌ای پیش، از گوشه‌ای شما را زیر نظر گرفته بود، جلو می‌آید و در حالی که لبخندی بر لب دارد ...



جام جم آنلاین: کنار جایگاه پمپ بنزین ایستاده اید و مشغول بنزین زدن هستید که ناگهان موتور سواری که تا همین چند دقیقه‌ای پیش، از گوشه‌ای شما را زیر نظر گرفته بود، جلو می‌آید و در حالی که لبخندی بر لب دارد رو به شما می‌گوید: دو لیتر بنزین به من می‌دهی؟

در حالی که از این درخواست متعجب شده اید به علامت منفي سري تکان می‌دهید و او همچنان که زیر لب چیزی می‌گوید از شما دور می‌شود و چند قدم آن طرف‌تر جلوی راننده دیگری را می‌گیرد و درخواستش را دوباره تکرار می‌کند.

خیلی از رانندگانی که مشتریان دائمی این پمپ بنزین هستند، حالا دیگر مدت‌هاست این مرد را می‌شناسند، او که از اولین ساعات صبح تا غروب آفتاب با دبه کوچک سفید رنگی در دست در گوشه‌ای از پمپ بنزین می‌ایستد و از دیگران یکی دو لیتر بنزین رایگان می‌خواهد.

هرچند دست او برای خیلی‌ها رو شده اما اگر با همین شیوه موفق شود روزی چند لیتری بنزین از کسانی که شگرد کارش را نمی‌دانند، بگیرد باز هم نانش حسابی توی روغن است.

نوآوری، لازمه تکدیگری

رایج‌ترین تصویری که از يك گدا به ذهنمان می‌رسد چیست ؟

مرد یا زنی با لباس‌های کهنه و پاره و سرو ظاهری که بوی نامطبوعی می‌دهدو انگار هفته‌هاست رنگ آب و صابون به خود ندیده است و در این حالت دست‌های سیاه و کثیفش را به سوی عابران دراز می‌کند؟ یا کودکی با موهای ژولیده و سر و صورتی سیاه که لباس‌هایی بزرگ‌تر از اندازه‌اش بر تن کرده؟

خیر ! این صحنه‌ها دیگر مدت‌هاست از مد افتاده است. امروز گدایان شهر ما دیگر با شیوه‌های ابتدایی و قدیمی تکدیگری نمی‌کنند. در عصر علم و فناوری همه چیز در حال تغییر است، پس تکدیگری با شیوه‌های قدیمی نیز دیگر جواب نمی‌دهد. امروزه دیگر گدایان شهر ما مسافران شیک‌پوش يك سفر خیالی هستند که بنا به هزار و يك دلیل در راه مانده اند و می‌خواهند با کمک شما به مقصد برسند. آنها دیگر ظاهر رقتبار و سر و وضع کثیف و آشفته‌ای ندارند که برای گرفتن سکه‌ای بی‌ارزش التماس کنند، بلکه موقر و بی‌صدا گوشه‌ای می‌ایستند و بدون این‌که با کلمات ترحم‌انگیز حس انسان دوستی شما را قلقلک دهند، فقط با نگاه، شما را به کمک دعوت می‌کنند.

اگر دست به جیب شوید و اسکناسی بدهید به جای دعاهای رنگارنگ، بسیار رسمی از شما تشکر می‌کنند.

آری گداهای شهر ما و بخصوص متکدیان مناطق شمالی شهر این گونه هستند. برای آنها نوشتن روی کاغذ و گلایه از بیماری صعب‌العلاج یا گرم صورت و فلج نشان دادن اعضای بدن کاری بی‌فایده و شاید وقت تلف کنی است که به اعتقادشان این شیوه‌ها دیگر در شرایط امروز جامعه ما جواب نمی‌دهد.

دیگر مدت‌هاست شهروندان به کسی که یک نسخه پاره و کثیف به دست می‌گیرد و به بهانه فقیر بودن به هزار ترفند سعی می‌کند دل رهگذران را به رحم بیاورد چندان اهمیتی نمی‌دهد، حتی صلواتی بودن قرآن یا ادعیه‌ای کوچک هیچ کس را به اشتباه نمی‌اندازد.

امروزه دیگر لباس‌های کهنه و پاره تن کودک کثیفی که انگار روزهاست رنگ حمام به خود ندیده و با اصرار از شهروندان می‌خواهد از او آدامس یا فال حافظی بخرد هم دل کمتر شهروندی را به رحم می‌آورد چه برسد به اسفند دود کردن و تمیز کردن شیشه ماشین‌های مدل بالا!

درآمدهای میلیونی

بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان درآمد امروزه تکدیگری به هیچ‌وجه با درآمد سال‌ها پیش متکدیان قابل قیاس نیست و شاید به همین دلیل است که با وجود اقدامات دست و پا شکسته سازمان‌های متولی ساماندهی متکدیان، روز به روز تعداد آنها افزوده می‌شود. تکدیگری سالیان پیش با درآمدی که به زحمت روزانه به چند صد تومان می‌رسید کجا و درآمد روزانه 50 هزار تومان و ماهانه یک و نیم میلیون تومانی متکدیان امروزی کجا!

اخبار جالبی که هر از گاهی به نقل از مسوولان مراکز نگهداری موقت متکدیان به گوش می‌رسد، به نوعی مهر تاییدی بر این واقعیت است، هنگامی که می‌شنویم در میان متکدیان جمع‌آوری شده مردی 30 ساله که بشدت بوی تعفن می‌داده و از درآوردن لباس‌هایش امتناع می‌کرده است وقتی با اصرار لباس‌هایش را عوض می‌کنند با ناباوری متوجه می‌شوند این مرد 7 میلیون تومان پول نقد همراه داشته است!

گدایان پیامکی

به نظر می‌رسد با رشد و توسعه شهرنشینی آسیب‌های اجتماعی در شهرها نیز پیچیده‌تر می‌شوند.

دیگر دوره‌ای که گدایان با دست و پای ناقص در گوشه معابر یا پشت چراغ قرمز چهارراه‌ها نهایت تلاش خود را برای برانگیختن حس ترحم شهروندان به کار می‌گرفتند، گذشته است. این روزها تکدیگری بویژه در شهرهای بزرگ از جمله در پایتخت هر روز پیچیده‌تر و شیوه فعالیت متکدیان نیز به روزتر و مدرن‌تر می‌شود. به طوری که معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهر تهران از وجود مافیای تکدیگری در پایتخت خبر داده و می‌گوید: تعداد زیادی از متکدیان ساعت کار، محل و موقعیت از پیش تعیین شده برای تکدیگری دارند و در ساعت معینی توسط خودروهای سواری جمع‌آوری می‌شوند.

صرفاً جمع‌آوری این افراد از خیابان‌ها و معابر شهری و نگهداری موقت آنها در مراکز ویژه نمی‌تواند مشکلی از معضل متکدیان برطرف کند

به گفته سیدصادق اوایی، زمانی که خودروهای ویژه جمع‌آوری متکدیان در معابر شهر تردد می‌کنند، متکدیان با استفاده از پیامک یکدیگر را مطلع می‌کنند و در یک چشم برهم زدن خیابان عاری از متکدی می‌شود.

وی به شیوه جدید فعالیت متکدیان در قالب دستفروشی برای رد گم کردن و عدم شناسایی و جمع‌آوری آنها نیز اشاره کرده و معتقد است: تکدیگری جرم است ولی دستفروشی به دلیل خلأ قانونی مجازاتی ندارد، به همین دلیل گدایی با فروش فال، گل، تمیز کردن شیشه خودرو، بادکنک و... همراه می‌شود به نحوی که در بسیاری از موارد متکدی شهروند را با وجود عدم نیاز مجبور به خرید کالا می‌کند.

آنها قانون هم می‌دانند

اما متکدیان شهر ما تنها بازیگران حرفه‌ای و بااستعداد نیستند، بلکه بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر امکانات لازم برایشان فراهم می‌شد آنها حقوقدان‌های قابلی هم می‌شدند!

مسوولان معتقدند متکدیان به قوانین و مقررات حقوقی آشنا بوده و از خلأهای قانونی آگاهی دارند و همین آگاهی آنها موجب شده که براحتی از زیر تیغ تیز قانون خلاصی یابند.

چرخه معیوب ساماندهی

کم‌کاری برخی سازمان‌های متولی در حوزه آسیب‌های اجتماعی موجب شده طرح‌های ساماندهی متکدیان، بی‌خانمان‌ها و کودکان کار

تاکنون از توفیق چندانی برخوردار نباشد و اگرچه شهرداری تهران به عنوان یکی از 11 سازمان متولی اقداماتی را طی سال‌های اخیر برای جمع‌آوری این افراد از سطح شهر انجام داده است، اما کم‌کاری برخی سازمان‌ها از جمله بهزیستی در مرحله پذیرش، نگهداری و ساماندهی موجب شده تعداد قابل توجهی از مددجویان پس از مدت کوتاهی از جمع‌آوری دوباره در سطح شهر رها شوند.

مدیرعامل سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران در این باره می‌گوید: اگرچه سازمان بهزیستی استان تهران با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود نهایت همکاری را با شهرداری تهران دارد، اما واقعیت این است که ظرفیت این مراکز در تهران اشباع شده و از آنجا که بخش قابل توجهی از مددجویان جمع‌آوری شده از سطح پایتخت شهرستانی هستند، عدم پذیرش این افراد توسط مراکز بهزیستی استان‌ها موجب شده این افراد پس از مدت کوتاهی مجدد به چرخه بازگردند.

محمدجواد روزبهانی به این هم اشاره می‌کند که کوتاهی برخی سازمان‌های مسوول در زمینه ساماندهی متکدیان و بی‌خانمان‌ها موجب تحمیل هزینه‌های میلیاردی به شهرداری تهران شده است. به طوری که سال گذشته درمان مددجویان دارای بیماری‌های خاص که مدت زیادی از رسوب آنها در مراکز اسکان موقت گذشته بود، یک میلیارد تومان هزینه به شهرداری تحمیل کرده است.

در حالی که آمارهای موجود بیانگر بازگشت مجدد درصد قابل توجهی از متکدیان پس از مدت کوتاهی دوباره به همان شغل تکدیگری است به نظر می‌رسد صرفاً جمع‌آوری این افراد از خیابان‌ها و معابر شهری و نگهداری موقت آنها در مراکز ویژه نمی‌تواند مشکلی از معضل متکدیان برطرف کند.

در کنار این امر، بهبود شرایط معیشتی و امکان ایجاد کار و حرفه برای متکدیان پس از ساماندهی و بازگشت مجدد به جامعه ضرورتی است که نباید از سوی مسوولان و متولیان امر نادیده گرفته شود.

البته در کنار این موارد نقش اجتماعی شهروندان را نباید نادیده گرفت؛ شهروندانی که با شناخت این پدیده و برخورد منطقی و صحیح با آن می‌توانند مهم‌ترین نقش را در مقابله با سودجویی این افراد داشته باشند.

پوران محمدی / گروه جامعه